فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۷۳ - ۴۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۳

آسیب‌ها و چالش‌های نظام تک حزبی برای فدرالیسم (مطالعه موردی: عراق تحت حاکمیت حزب بعث)

سعید شمس‌الدینی[۱]
دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
سید خدایار مرتضوی[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)
مهردادنوابخش[۳]
استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
علیرضا کلدی[۴]
استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۷/۰۶/۱۷

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

وجـود نظام‌هـای تـک حزبـی در دنیای امروز از یک سـو و از سـوی دیگر واقعیتـی به نام دولت‌هـای فدرال در بخشـی از مناطق جهان سـبب می‌شـود تا نسـبت ایـن دو مورد تامـل و کنکاش قـرار گیرد. از طرفـی، با مطرح شـدن هـر دو نظـام در جامعـه عـراق این پرسـش به میان مـی آید که نحوه تعامـل نظام تک حزبی با فدرالیسـم چگونـه بـوده و در ایـن خصـوص چـه مشـکلات و چالش‌هایـی پدیـد آمـده اسـت؟ آن هم جامعـه ای متکثر کـه ازدوران قدیـم تعـدد و تکثـر گروهها بـا آرایش موزائیکی در آن شـکل گرفتـه و این تنوع قومـی و زبانی و دینـی در فرآینـد دولـت – ملـت سـازی و از ابتدای تأسـیس حـزب بعث تـا سـقوط آن ودردوران جدید تداوم یافتـه اسـت. در ایـن مقاله با اسـتفاده از روش توصیفی -تحلیلـی ونیزبا بهره گیری از مـدل مفهومی ژان بلاندل آسـیبها و چالش‌هـای نظـام تک حزبی در دوران حاکمیت حزب بعث برای فدرالیسـم بررسـی و ارزیابی شـده اسـت. مـا حصـل کار اینکـه بافت موزائیکی، شـکاف هـای اجتماعـی، یکه تازی حـزب بعث، ابهـام در معنای فدرالیسـم و اختلاف برداشـت ها، سـرکوب شـدید اکراد و شـیعیان و ناهماهنگی مدافعان فدرالیسم از مهمترین چالش‌هـای تحقق فدرالیسـم در عـراق دوران حاکمیـت نظام تک حزبی بوده اسـت.

واژه‌های کلیدی: نظام تک حزبی، فدرالیسم، جامعه موزائیکی، عراق و حزب بعث

1. shamsodinis@gmail.com
2. skmortazavia@gmail.com
3. mehrdad_navabakhsh@yahoo.com
4. a.r.kaldi@srbiau.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

مقدمه

شاید بتوان گفت اصطلاح نظام تک حزبی، اصطلاحی متناقض است زیراواژه «نظام» بر ارتباط و تعامل میان چند واحد دلالت می‌کند و حال آنکه واژه تک حزبی معطوف به یک واحد است که ارتباط و تعامل موضوعیت ندارد. با اینحال، این اصطلاح کمک می‌کند تا بین نظام‌های سیاسی که در آن یک حزب از راه بیرون کردن همه احزاب دیگر (خواه با استفاده از ابزارهای سیاسی یا قانونی و خواه با اعمال زور و قوه قهریه) قدرت انحصاری را بدست می‌گیرد و نظام های سیاسی که مبارزه رقابتی در میان شماری از حزبها ویژگی آن است فرق گذاشت. (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۷۰)

نظام تک حزبی نظامی است که در آن تنها یک حزب بطور رسمی اجازه فعالیت دارد و در تعیین نامزدهای انتخاباتی و فرآیند انتخابات مسلط است؛ بطوری که همان یک حزب دولت را تشکیل می‌دهد و دیگر احزاب اجازه ورود و یا شرکت در انتخابات را ندارند و اساسا دیگر احزابی وجود ندارد. کشورهایی هستند که تنها یک حزب دارند و این امر نه یک امر طبیعی و خودجوش بلکه بیشتر حاصل اجبار و تحمیلهای رسمی است. در برخی موارد، نظام تک حزبی چنان بر امور کشور مسلط است که سازمانهای دیگر از جهت عملی بی اهمیت و بی خاصیت می‌گردند.

طبق یک بررسی دو پنجم جوامع سیاسی جهان در اواخر دهه ۱۹۸۰ در قالب نظام های تک حزبی طبقه بندی می‌شدند. (بلاندل، ۱۳۷۸: ۲۱٤)کشورهای بلوک شرق و همچنین بسیاری ازکشورهای جهان سوم از چین وکره شمالی گرفته تا کوبا سالهای متمادی دارای نظام‌های تک حزبی بوده و بعضا همچنان تحت حاکمیت این نظام ها هستند. بنابراین از آنجا که بخش قابل توجهی از جوامع از طریق نظام های تک حزبی و یا فاقد نظام های حزبی اداره می‌شوند شناخت اینگونه نظام ها ضروری بوده و لازم است زوایای آشکار و پنهان آنها مورد بررسی قرار گیرد.

نظام‌های تک حزبی ازیک سو بر امر توسعه تاکید دارند و از سوی دیگر چون تا حدودی به مشارکت – هر چند به درجات مختلف– اهمیت می‌دهند به پوپولیسم نزدیک می‌شوند. این نظام ها غالبا از درون نوع خاصی از شکافهای اجتماعی متولد شده و تلاش می‌نمایند تا ضمن در انحصار گرفتن قدرت و استمرار آن، با هر گونه تقسیم و توزیع قدرت مقابله نمایند. لذا

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

چنانچه گروه های قومی، زبانی، دینی، فرهنگی و یا نهادهای مدنی و مردم نهاد ادعای استقلال و خوداتکایی داشته باشند، نظام تک حزبی به آنها اجازه فعالیت نمی دهد.

در مقابل، تجمیع خواسته ها و مطالبات اقوام، گروهها و نژادها در فدرالیسم آسانتر محقق می‌شود که نظام تک حزبی با آن تناقض و تعارض پیدا می‌کند. زیرا در نظام های تک حزبی، این حزب واحد است که یکه تاز و صاحب قدرت در صحنه سیاسی است و اگرهم یک نظام تک حزبی ساختار فدرالیسم را بپذیرد به خودمختاری محلی مجال بروز نخواهد داد (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۱۰۲)

تقابل نظام تک حزبی و نظام فدرالی در جامعه عراق از زمان روی کار آمدن حزب بعث مطرح بوده وتاپایان حاکمیت این حزب ادامه یافت و به همین سبب برخی معتقدند جامعه عراق در زمان صدام و حزب بعث در یک وضعیت صلح منفی به سرمی برده است و این کشور تارسیدن به فدرالیسم واقعی فاصله زیادی دارد و برای رسیدن به ثبات سیاسی باید بین نظام سیاسی وفدرالیسم آشتی برقرارکرد.لذا درحال حاضر الگوی فدرالیسم جغرافیایی با توجه به ماهیت قومی، مذهبی و طبقاتی آن الگویی مناسب برای ثبات و توسعه سیاسی به نظر می‌رسد. (Dawn- Bracat ،2004)

نظریه پردازان مطرح حوزه فدرالیسم از قبیل ایوودو واسک[1]، پیتر ژوزف[2]، جرج بلر[3] وگراهام اسمیت[4] همگی در یک موضوع اتفاق نظر دارند که در فدرالیسم نوعی تقسیم قدرت و اختیارات بطور همزمان متمرکز و غیرمتمرکز با شرایطی امکانپذیربوده و دو نیاز اصلی جامعه (یعنی وحدت و کثرت) را که ظاهراً در تضاد اما باطناً مکمل یکدیگرند با هم آشتی می‌دهد. نیاز جامعه به وحدت در نظم و امنیت متبلور می شود که یک مقوله حیاتی و بنیادین برای بقا و تداوم هر جامعه ای است و نیاز به کثرت که در خودمختاری و استقلال نسبی گروهها واقوام متجلی می گردد و نقشی کلیدی و تعیین کننده در پیشرفت و توسعه جوامع دارد و این دو نیاز در فدرالیسم بدون تنش و یا با کمترین تنش برآورده می شود. در مقابل، ذات نظام تک حزبی با چندگانگی و توزیع و تقسیم قدرت همخوانی ندارد. (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۳۰)

1. Ivodovosc
2. peteroghesf
3. Georg, Blair
4. Graham.smith

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

ممکن است استدلال شود که با پایان یافتن حیات سیاسی حزب بعث (۲۰۰۳) و روی کار آمدن دولت جدیددرحال حاضر زمینه اجرای فدرالیسم فراهم آمده است. اما باید گفت سرپوش گذاشتن بر خواستها و مطالبات قومی و مذهبی در طول چهار دهه توسط حزب بعث و به قولی «بازی با حاصل جمع صفر» و آزاد شدن آنها در دوران جدیدکه باخلاءقدرت حزب بعث همراه بود باعث شده تا امکان استقرار فدرالیسم به رغم سرنگونی حزب بعث همچنان با مشکل روبرو شود و با توجه به عدم وجود فرهنگ تساهل و مدارا که تا حد زیادی از ایدئولوژی حزب بعث نشأت گرفته، ثبات سیاسی دولت مرکزی همچنان با چالش مواجه است. برهمین اساس، مقاله حاضر در پی آن است تا چالش های فدرالیسم در عراق تحت حاکمیت حزب بعث را که نمونه بارزی از نظام های تک حزبی است، بررسی و تحلیل نماید. بدیهی است با بررسی و ریشه یابی این چالشها، می توان شناخت و درک بهتری نسبت به موانع و چالشهای تحقق فدرالیسم در دوران جدید عراق کسب کرد. در اینجا روش پژوهش توصیفی – تحلیلی است و اطلاعات و داده های لازم به شیوه کتابخانه ای گردآوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

چارچوب مفهومی

اکثر متفکرانی که در حوزه نظام تک حزبی اظهارنظر کرده اند، در یک موضوع اتفاق نظر دارند و آن اینکه در این نظام ها، تنها یک حزب سیاسی اجازه فعالیت و مشارکت داشته و بطور متوالی قدرت را در دست می‌گیرد و این امر نه بدلیل مقبولیت آن حزب بلکه بدلیل عدم فعالیت دیگر احزاب است. این درحالی است که رهبران نظام های تک حزبی ادعا می‌کنند که بر اساس خواسته ها و نیازهای مردم عمل می‌کنند ومدعی اند نظام چندحزبی سبب هرج ومرج می شود. (عاملی، ۱۳٤۸: ۱۲۲)

البته باید توجه داشت که نظام‌های تک حزبی انواعی دارند و نحوه پدید آمدن و تکوین یافتن آنها نیز متفاوت و چندگانه است. ازجمله این نظام‌ها، نظامی است که از وضعیت ناشی از سرکوب غیرقانونی مخالفان ایجاد می‌شود و بتدریج بطور طبیعی و بزور در کشور مسلط می‌شود.

نظام های تک حزبی مسلط در مواقعی محصول جنبشهای ملی و انقلابی از پایین بوده اندکه اساسا برای کسب قدرت وارد نبرد شده اند. از همین رو بسیج و سازماندهی فراگردهایی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

هستند که در جریان کسب قدرت بکار می‌آیند. حزب مسلط در یک نظام مبتنی بر حزب فراگیر ممکن است اکثریت رأی دهندگان جامعه را در اختیار نداشته باشد. اما چندپاره گی سایر گروههای سیاسی همیشه حزب مسلط را در یک موقعیت استوار نگه می‌دارد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ٦١٤)

در نظام های تک حزبی هر دیدگاه مخالفی مغایر با ایدئولوژی مسلط تعریف می‌شود و شایسته تکفیر و طرد است و در واقع بر اساس این تفکر، جمهوریت تا زمانی پابرجاست که مخالفی وجود نداشته باشد و حزب در آرامش کامل جهت اهداف خود حرکت کند. (بلاندل، ۱۳۷۸: ۲۱٦)

چنین وضعیتی موجب عدم پویایی نظام سیاسی به دلیل حاکمیت طولانی یک حزب می‌شود. حاکمیت طولانی یک حزب تحرک و تغییر را از بین می‌برد و سبب ایجاد یا استمرار وضعیتی ایستا و راکد می شود. بویژه زمانی که حزب حاکم با استفاده از ابزارهای دولتی موقعیت خود را تحکیم بخشیده و مانع رشد جریانهای موجود در جامعه شود. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲٦۲)وضعیتی که درجامعه عراق تحت حاکمیت حزب بعث مشاهده می شد.بطوری که مظاهر هردو سنخ نظام تک حزبی یافت می شود ازیک سو حزب بعث در شرایط ناشی ازسرکوب غیر قانونی مخالفان تاسیس واستمرار یافت.ازسوی دیگر این حزب محصول جنبشهای ضد استعماری ناسیونالیستی عربی توانست بخش قابل توجهی از نیروی جامعه را به سوی ایدئولوژی حزب جذب نماید.

بنابراین هر جا سخن از نظام تک حزبی به میان می‌آید محدودیت و یا حذف سایر رقبا و احزاب و انحصار فعالیتهای سیاسی در یک حزب مطرح می‌شود. همچنین، زمینه ظهور و بروز فعالیت احزاب، گروهها، اقوام و مشارکت آنها در حاکمیت و گوناگونی دیدگاههای مشارکتی در سیاست و حاکمیت از بین می‌رود و بدنبال آن، آنچه مورد نظر متفکران اجتماعی و سیاسی از مبحث فدرال و فدرالیسم است، ازفبیل تمرکززدایی، چندگانگی، کثرت گرایی[1] و سیستم چند حزبی(بعنوان شرط لازم کارکرد فدرال)بانظام تک حزبی منافات دارد. همچنین داشتن پایگاه مردمی، بیان آزادانه خواسته ها و حمایت از منافع ملی و ایفای نقش اساسی در انتخابات حزبی بعنوان شرط کافی دولت فدرال در نظام تک حزبی جایگاهی ندارد.

1. Pluralism

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

بنابراین چون الگوی فدرالیسم برای پاسخگویی به تنوع قومیتها، نژادها و گروههای اجتماعی و کاهش منازعات و استقرار همزیستی مسالمت آمیز ملیتهای مختلف مطرح می‌شود، لذا با نظام تک حزبی تعارض دارد و یا بهتر است گفته شود که نظام تک حزبی با آن بیگانه است. (Riker,1964:5)

ژان بلاندل ازجمله اندیشمندانی است که ویژگیهای نظام تک حزبی رامشخص ساخته است ومی توان این ویژگیها را در قالب یک شبکه یامدل مفهومی دسته بندی کرد وسپس براساس آن موارد ومصادیق گوناگون رامورد سنجش وارزیابی قرارداد.

بنابراین، به اعتقاد اندیشمندان این حوزه بویژه مدل مفهومی بلاندل مشخصه ها و ویژگیهای نظام تک حزبی عبارتنداز :تاکید برتمرکز گرایی،ظهور واستقرار درفرآیند طولانی استعمارزدایی،تکیه بررژیم نظامی،فقدان درصد بالای سازمانهای طبیعی حمایتی وهمراه کردن برخی ازگروه های قبیله ای جهت برداشتن تنش هاست.(بلاندل،۱۳۸۷:۲۲۲) این مقاله بابهره گیری ازمدل مفهومی بلاندل درپی بررسی نظام تک حزبی درعراق تحت حاکمیت حزب بعث وسنجش آن با نظام فدرالی است. نتیجه کار نشان می دهدکه این دو الگو قابلیت تجمیع در یک سیستم رانداشته بلکه باهم تعارض وحتی چالش های اساسی دارند.

حزب بعث و فدرالیسم در عراق

چنانچه فدرالیسم را سیاستی بدانیم که در جستجوی اتحاد همراه با حفظ استقلال هریک از گروههای متعددی است که در جستجوی استقلال خود از طریق اتحاد هستند و ضمن دنبال کردن منافع خاص خود و به منظور تحقق اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند، در آن صورت این روش در جامعه ای که در طول سالیان متمادی حاکمیت نظام تک حزبی از طریق ایدئولوژی بعثی و ناسیونالیسم عربی ساختار سیاسی کشور را بطور متمرکز اداره نموده است محل تامل و شایان بررسی است؛ آن هم در جامعه ای که دو عنصر قومیت و مذهب در آن برجسته بوده و این عناصر از طریق ناسیونالیسم عربی و ایدئولوژی بعثی تشدید و استمرار یافته است ودرغیاب فرهنگ سیاسی مدنی دمکراتیک وواگرایی وتنشهای کنشگران قومی ومذهبی ریشه دوانیده است.

بنابراین اگرچه جامعه عراق به لحاظ تاریخی در عصر امپراطوری عثمانی بصورت شبه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

فدرالی اداره می‌شده و مناطقی چون موصل، بغداد و بصره علی الظاهر بصورت مستقل اداره می‌شدند، با اینحال حاکمیت نظام تک حزبی و عدم مشارکت شیعیان و کردها در ساختار قدرت عراق در دوران حاکمیت حزب بعث باعث توسل رژیم بعث به ایدئولوژی پان عربیستی بعنوان عامل مشروعیت بخش نظام سیاسی شده است. بر این اساس، حاکمیت اقلیت اعراب سنی و نادیده انگاری سیاسی و اجتماعی سایر گروهها و مؤلفه های حکومتی کردی و شیعی به مطرح شدن و برجستگی هویت عربی- سنی عراق انجامیده است، بطوری که اگر ادعا شود که مفاهیم فدرالیسم و نظام تک حزبی در عراق دوران حاکمیت حزب بعث با یکدیگر رابطه معکوس و یا متناقض داشته اند، ادعای گزافی نیست.

از ابتدای شکل گیری و تأسیس دولت یکپارچه عراق در سال ۱۹۲۱ میلادی تاکنون جامعه عراق بطور متناوب با موضوع فدرالیسم از یک طرف و حکومت متمرکز از طرف دیگر در نوسان و تقابل بوده است. دلیل اصلی این امر اینکه این کشور در واقع برخاسته از یک ملت نبود که برای تأسیس یک دولت (کشور) همسو و هماهنگ شود. لذا عراق در یک فرآیند استعمارزدایی و در زمانی تأسیس شد که اصولاً هیچ تصوری از دولت ملی و ملی گرایی در ذهن مردم عراق وجود نداشت و موصل که یکی از سه ولایتی بود که قبلاً بصورت مستقل اداره می‌شد بیش از آنکه به بغداد بیاندیشد به هند و نقش واسطه ای خود در تجارت می‌اندیشید. از طرفی، سهیم نشدن اقوام و گروههای اجتماعی در اداره کشور باعث شده تا معمولاً کردها و شیعیان بعنوان شهروند درجه دو به حساب آیند. (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۷۰- ٤٩)

در این میان کردها اولین شورش را توسط شیخ محمود سلیمانیه علیه سلطنت عراق و انگلستان در سال ۱۹۳۲ انجام دادند که زمینه سرکوب آنها درهمان سال توسط دولت وقت فراهم آمد و آن حرکت در همان بدو امر متوقف و منکوب شد. (jaward, 1979: 172)

با کودتای عبدالکریم قاسم و بازگشت بارزانی از شوروی، قراردادی بین آنها امضاء شد که به علت اجرایی نشدن آن، مبارزات شدیدی بین آنها روی داد و در سال ۱۹٦٦ البزاز نخست وزیر وقت عراق طی اعلامیه ای، به ویژگی دو ملیتی (عربی و کردی) کشور عراق اشاره و خودمختاری کردستان را مادامی که وحدت سرزمینی عراق مورد تهدید قرار نگیرد پذیرفت (نورمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۸۵)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

۱-حاکمیت حزب بعث؛ آغاز تقابل بافدرالیسم

با روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹٦۸وتمرکز قدرت اختلافات تشدید و هر گونه فعالیت خودمختاری وایده های فدرالی از جانب کردها ممنوع شد. تا اینکه در سال ۱۹۷۰ قراردادی[1] بین حکومت و بارزانی امضاء و با اعطای امتیازاتی از جمله تدریس زبان کردی، مسئولیت برقراری امنیت در شمال عراق در چارچوب خودمختاری به کردها داده شد. (بیگدلی، ۱۳۷۸: ۷۹)

بدنبال لغو یک جانبه توافقات از جانب حزب بعث از جمله عدم پذیرش نیروهای پیشمرگ و نپرداختن مبالغی از درآمد حاصله از فروش نفت کرکوک منازعات بین کردها و حکومت مرکزی (حزب بعث) از سرگرفته شد. ولی قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ ضربه سهمگین را بر مبارزات کردها وارد و با فرار بیش از ۱۰۰۰۰۰ کرد به ایران به پایان رسید. (Cause And Siebens, 2012: 4)

متعاقب قرارداد مذکور حکومت مرکزی با اتخاذ سیاستها و روشهای خاصی تلاش نمود به حرکتهای استقلال طلبانه اقوام بویژه کردها خاتمه دهد. لذا تصمیم به عربی کردن مناطق کردنشین گرفت و صدها هزار نفر از مردم شهرهای کرکوک، خانقین و سنجار را به نواحی جنوبی کوچاند و نام کرکوک را به التأمیم تغییر داد. (محمد و کلهر، ۱۳۹۰: ۲۳۵)

از آن زمان به بعدحزب بعث با واقعیتی به نام کردهای خواهان خودمختاری و فدرالیسم آشکارا مواجه بوده و به ناچار باید راهبردی سازمان یافته را در پیش می گرفت. لذا شاهد اتخاذ روشهای دیگری در مواجهه با کردها هستیم. حوادث بعدی روند تقابل نظام سیاسی با حرکتهای خودمختاری و فدرالی را تا حدی کند نمود.ازجمله این حوادث درگذشت بارزانی در سال ۱۹۷۹، و ایجاد انشعاباتی در حزب از جمله: کمیته آمادگی حزب دمکرات به رهبری محمد عثمان، نزدیکی برخی به حکومت مرکزی، وفاداری برخی فرزندان بارزانی به تشکیلات حزب وتشکیل گروه چهارم(شاخه پیشمرگان) به رهبری علی عسگری بود که روند مطالبات خود مختاری وفدرالیسم راکند نمود. (بیگدلی، ۱۳٦۸: ۸۱- ۸۰)

فعالیتها و تلاشهای ده ساله کردها (۱۹۸۰- ۱۹۷۰) برای خودمختاری و نظام فدرالی نتیجه چندانی درپی نداشت و سلطه حزب بعث و اقتدار آن بیشتر از قبل نمایان گشت و

۱. از جمله بندهای این قرارداد می توان به مواردی از قبیل انتخاب معاون رئیس جمهوری از بین اکراد وتوسعه مناطق اقتصادی کردستان اشاره نمود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

بسرعت بسوی یک نظام اقتدارگرای تمام عیار و حتی می‌توان گفت بتدریج به سمت نظامی توتالیتری حرکت کرد. به قول اندرو هیوود افراطی‌ترین و گسترده‌ترین شکل مداخله‌گرایی را می‌توان در دولتهای توتالیتر مشاهده کرد به طوری که اصل و اساس توتالیتاریسم بر پایه دولتی همه‌گیر است که نفوذ آن به هر جنبه‌ای از زندگی مردم و اقوام رخنه می‌کند. (هیوود، ۱۳۸۹: ١٤٦) قدرت تمام عیار حزب بعث و دیکتاتوری هیئت حاکمه سبب قطع مبارزات و تقاضای خودمختاری در عراق بویژه در منطقه کردستان شد. به طوری که صدام حسین در مصاحبه ای با مجله تایمز درسال ۱۹۸۳آشکارترین مواضع را در این خصوص چنین اعلام نمود: «هر رهبری ترجیح می‌دهد که مردم از یک دیدگاه فکر کنند، از یک مذهب و از یک فرقه و یک شهر باشند»(اسدی،۱۵۳:۱۳۹۳) چنین بیانی بوضوح از نگرشی مونیستی حکایت می کند که مبنایی برای نظامهای توتالیتری است. اگرایدئولوژیک بودن حزب بعث و تبلیغات گسترده و فراگیر آن و نیز جو ارعاب و وحشتی که در زمان حاکمیت این حزب بر عراق حاکم بود را در نظر بگیریم، می توان گفت که عناصر اصلی شکل دهنده توتالیتاریسم در عراق آن دوران موجود بود.(آرنت۱۳۹،۱۳٦۹–۹۷) اینجاست که می توان به درستی و اتقان تحلیل هانا آرنت از نسبت میان نظامهای تک حزبی و توتالیتاریسم پی برد آنجا که می گوید:«حکومتهای توتالیتر کنونی پرورده نظامهای تک حزبی اند و زمانی به راستی توتالیتر می گردند که شروع به عمل کردن بر وفق نظام ارزشیی متفاوت باهمه نظامهای دیگرمی کنند».(آرنت۱۳٦۹: ۳۰۸)موضوعی که دراظهارات صدام حسین مشاهده می شود «همیشه به یاد داشته باشید اصول وتجربه های خاص شما تنها اصول وتجربه هایی هستند که نماینده حقیقت غایی بوده ومی توانند دربنای جامعه جدید ملت عرب بکار آیند.»(الزبیدی، العبادی و السعدون، ۱۳۹۵: ۳۸–۳۷)

۲- جنگ ایران و عراق؛ مرحله ای جدید رویارویی حزب بعث و فدرالیسم

جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ فرصت خوبی برای مقابله کردها با دولت مرکزی بود، زیرا توجه و تمرکز حزب بعث بر جنگ با ایران، سبب می‌شد تا حدی دولت از مقابله با کردها دست بردارد و در حالی که حزب دمکرات با نزدیکی به ایران عملیاتی را علیه حزب بعث آغاز نمود، اتحادیه میهنی کردستان در حال مذاکره برای خودمختاری بود، کشته شدن نزدیکان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

طالبانی توسط عوامل منتسب به حزب بعث، سبب نزدیکی دو حزب و انعقاد پیمان صلح و آشتی به رهبری ایران در سال ۱۹۸۸ گردید.

اقدامات حزب بعث بعد از سال ۱۹۸۸ در مقابله با حرکتهای استقلال طلبی و خودمختاری وارد مرحله جدیدی شد و طی دو مرحله شدت گرفت: مرحله اول در بمباران شیمیایی حلبچه بود که طی آن ۵۰۰۰ نفر کشته شدند و در مرحله بعد عملیات کردزدایی تحت عنوان «انفال» بود که به قصد نسل کشی و کوچاندن اجباری کردها سبب ویرانی چهار هزار روستا و تبعید کردها و مهاجرت اجباری آنها به شهرکها شد. (گونتر[1]، ۲۰۱٤: ۱۱۱)

به بیان دیگر«کردها بعد از جنگ جهانی اول که نتوانستند دولت خود را تشکیل دهند و بازیچه قدرت های استعماری شدند،درچهارکشورعراق،ترکیه،سوریه وایران تقسیم شدند. اساسادولت های تازه به استقلال رسیده که متاثرازاستعماردولت های غربی وبدون توجه به فرهنگ، زبان ومذهب این ملت ها،تصمیم به تقسیم آنهاگرفته شده است،دچار تعارضاتی بادولت مرکزی می شوند.به همین دلیل کردها ازاوایل تشکیل کشور عراق بادولت مرکزی آنبه مشکل برخوردند و خواهان حقوق خود بودند.دولت مرکزی عراق برای سرکوب وجلوگیری ازشورش کردها، از انواع خشونت هااستفاده می کرد.»(عباس تبار،۱۳۹٤:۹۰) که یکی ازمرگ بارترین وخشونت آمیزترین حوادث دردوران رژیم بعث پروژه نسل کشی انفال بود.

اقدامات دولت عراق گرچه در ظاهر مقابله با کردها بود اما در واقع مقابله با ایده استقلال طلبی و فدرالی کردن کشور و جامعه عراق بود.ازسویی،باید توجه داشت که جنگ ایران وعراق هم روندتمرکزگرایی را تسهیل وتسریع وهم رژیم سیاسی را به سمت نظامی گری ومیلیتاریزه شدن بیشتر سوق دادوهمچنانکه درمدل مفهومی بلاندل مشاهده می شود،تمرکزگرایی و رژیم نظامی ازجمله ویژگیهای نظام تک حزبی است.این روندباتهاجم عراق به کویت تقویت وتشدید شد ولی درعین حال به صورتی معما گونه فرصت و زمینه ای شد برای فدرالی شدن که در اینجا به آن می پردازیم.

۳-تهاجم به کویت؛ فرصتی برای مطرح شدن فدرالیسم عراق

تهاجم عراق به کویت که بلافاصله پس ازپایان جنگ ایران وعراق به وقوع پیوست نشانگر

1. Gunter

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

اوج تمرکزگرایی و نظامی گری در نظام تک حزبی حاکم برآن کشور است اما از آنجا که حزب بعث تنها شروع کننده این تهاجم بود،پایان آن برای این حزب غم انگیز و دردسر ساز شد وبجای تمرگزگرایی، بیش ازپیش فرصتی برای فدرالی شدن آن فراهم آورد.چراکه، بدنبال تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و تصمیم جامعه جهانی به اعمال تحریمها و تهدید نظامی برای عقب نشینی بی قید و شرط عراق، فرصتی استثنایی برای کردها فراهم شد. (مک داول، ۱۳۸۳: ۵۷۹)

ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در شمال و جنوب عراق توسط سازمان ملل و رهایی استانهای کرد سلیمانیه، اربیل و دهوک از نفوذ بغداد و برگزاری انتخابات،فرصتی برای کردها پدید آورد تا منطقه فدرالی را پایه ریزی و نظام سیاسی، اداری، پارلمانی و قضایی مستقلی را تأسیس نمایند که این روند تا سال۲۰۰۳ (سقوط صدام) ادامه داشت.

روند تأسیس و شکل گیری پارلمان کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل از یک طرف حاوی پیام و نکته مهمی بود و حکایت از برنامه رهبران کرد برای آینده شمال عراق داشت، موضوعی که در مقدمه قانون اساسی اقلیم کردستان عراق نیز به آن اشاره شده است «به رغم همه اینها، کردستان را به عراق الحاق کردند، زیرا منافع بین المللی اقتضاء می‌کرد و هیچکس نظر اکراد را نپرسید و جویای خواسته ما نشد. دولتهایی که یکی پس از دیگری در عراق بر سر کار آمدند از همه خط قرمزها عبور کردند و به نادیده انگاشتن حقوق قومی ما بسنده نکردند بلکه مرتکب جنایاتی چون کشتار جمعی و پاکسازی هم شدند.» (الزبیدی و دیگران ۱۳۹۵: ۲۸۱)

در جای دیگری از قانون اساسی مذکور به صراحت به فدرالیسم ونظام پارلمانی دمکراتیک اشاره شده است

«اینک ملت کرد چنین انتخاب و اراده کرد که اتحادی آزاد با عراق از حیث ملی و سرزمینی و حاکمیتی داشته باشد. البته مادامی که عراق به قانون اساسی فدرال و سیستم فدرالی پارلمانی دمکراتیک تکثرگرا پایبند باشد و حقوق بشر فردی و گروهی را محترم بشمارد ملت کردستان حق بازنگری در این انتخاب و تصمیم فعلی را دارد و می‌تواند در آینده مرکزیت سیاسی خود را تعریف کند.» (الزبیدی ودیگران،۱۳۹۵: ۲۸۰)

باسقوط صدام در۲۰۰۳، رهبران کرد که تجربه ده ساله حکومت در کردستان عراق را

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

داشتند، تلاش نمودند با بهره گیری از تجارب بدست آمده هم در تدوین قانون اساسی موقت و هم در تدوین قانون اساسی دایمی عراق نقش بارزی داشته باشند، بطوری که ضمن درج موضوع فدرالیسم در هر دو قانون در همه پرسی پیش نویس قانون اساسی که در ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شد شرکت کردند و طی آن۹۵ درصد کردها به خودمختاری در قالب حکومت منطقه ای رای آری دادند.(سردارنیا۱۳۹٤:۱۸۱)

همانطوری که در مواد قانون اساسی اقلیم کردستان و قانون اساسی جدید عراق آمده مطالبات کردها فراتر از مباحث شعاری و پوپولیستی بوده و بحث خودمختاری و فدرالیسم در قالب ایده و نظریه در قانون اساسی، مجالی پیش آورد تا در غیاب حاکمیت حزب بعث سامان یافته وشکل بگیرد. برهمین اساس بود که پس از سقوط صدام فعالیتها و تلاشهای کردها جهت تکمیل فرآیند خودمختاری و فدرالیسم تداوم یافت؛ بگونه ای که آنها در تشکیل شورای حکومتی و مجلس و دولت عراق نقش بارزی داشتند و رهبران آنها بخصوص بارزانی و طالبانی نمایندگی کردها را در شورای موقت عهده دار شدند. شرح این مقوله مجالی فراتر از این مقاله می طلبد، لذا از پرداختن به آن در اینجا صرف نظر می شود و در ادامه به بررسی و تحلیل چالشهای نظامهای تک حزبی و فدرالیسم در زمان صدام و حاکمیت نظام تک حزبی می پردازیم.

چالشهای حزب بعث و فدرالیسم در زمان صدام

کردهای عراق در طول دوران حاکمیت نظام تک حزبی(حزب بعث) همواره مترصد فرصتی برای طرح خودمختاری و استقلال کردستان عراق بودند و هرگاه چنین فرصتی پیش می‌آمد بلادرنگ حرکتهایی را آغاز می‌کردند. همانگونه که قبلا گفته شد، متعاقب حمله عراق به کویت و شکل گیری ائتلاف بین المللی علیه عراق و شکست دولت مرکزی و حزب بعث فرصتی مجدد برای طرح مقوله فدرالیسم و استقلال کردهابیش از پیش فراهم آمد. همین فرصت بار دیگر سبب قیام کردها جهت خودمختاری و استقلال شد که البته این بار واکنش متفاوت از قبل بود و عکس العمل شدید حزب بعث و سرکوب آنها را در پی داشت. شدت سرکوب این بار به حدی و به گونه ای بود که کردها وادار به کوچ اجباری به مرزهای ایران و ترکیه شدند زیرا تجربه و خاطره تلخی که از عملیات موسوم به انفال در ذهن کردها بود

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

آنها را وادار به مهاجرت اجباری به طرف مرزهای کشورهای همسایه نمود. اما دراینجا نکته حائز اهمیت توجه به عواملی است که سبب تسهیل سرکوب کردها و مقابله با خودمختاری و فدرالیسم از جانب دولت مرکزی و حزب بعث شد.

از مهمترین این عوامل پافشاری کردها بر خودمختاری، استقلال و فدرالی کردن کردستان بود. زیرا زمانی که حزب بعث پیشنهاد سهیم شدن در حکومت مرکزی را در ازای وفاداری به حکومت مطرح نمود کردها نپذیرفتند و آنها با تلقی این پیشنهاد به مثابه ضعف دولت مرکزی همچنان بر خودمختاری و استقلال اصرار داشتند. در مقابل، دولت مرکزی جهت حفظ اقتدار خود در سراسر کشور و برای سرپوش گذاشتن بر ضعف خویش و تداوم و تحکیم شیرازه کشور به سرکوب کردها و مقاومت در برابر خواسته آنها ادامه داد و هرگز سر تسلیم فرود نیاورد.

از دیگر عوامل، اختلافات درون حزبی کردها بود که حزب بعث از شکاف موجود جهت سرکوب کردها استفاده نمود. بطوری که بدنبال نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان به ایران، حزب دمکرات از دولت مرکزی جهت بازپس گیری مناطق کردنشین کمک خواست و حزب بعث نیز تلاش نمود ضمن سرکوب کردها مناطق اربیل و سلیمانیه را اشغال نماید.

عامل سوم نگرانی کشورهای غربی و دولت مرکزی از تشکیل حکومت مستقل کردی سبب شد تا سیر تقابل حزب بعث با فدرالیزم کردی منجر به سرکوب کردها شود. آنچنانکه که بعدها بارزانی مجبور شد به صراحت اعلام کند در پی تشکیل دولت مستقل کردی نیست و هدف ایشان خودمختاری در چارچوب یک فدراسیون با عراق است.

از سوی دیگر، موضع شیعیان بعنوان گروه اکثریت (۵۵ در مقابل ۱۹) قابل بررسی است و شاید نقطه اوج حرکتهای شیعیان در خیزش جنوب عراق باشد. خیزش مذکور (موسوم به انتفاضه جنوب یا انتفاضه شعبانیه) در ۱۹۹۱ از شهرهای ابوخصیب و زبیره در ۵۰ مایلی جنوب بصره آغاز و به سرعت در تمام بصره گسترش یافت. گرچه هدف از قیام کسب خودمختاری و فدرالیسم نبود، با اینحال نباید فراموش نمود که از جمله اهداف این قیام ساماندهی نشده نهادها و مقامات رژیم بعث بود. بطوری که برخی مقامات بعثی توسط مردم دستگیر و کشته و نهادهای بعثی بصورت انتقام آمیز نابود شدند اما فقدان سازماندهی و رهبری شخصی در قیام مانع پر کردن خلاء قدرت بعثی ها در جنوب و در نهایت باعث

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

سرکوب آنها شد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۵٤)

شایان ذکر است که شیعیان در مقایسه با اکراد که خواستار خودمختاری و استقلال بودند بیشتر بر اعاده موازنه سیاسی و حضور اعضای مهم خود در مناصب حکومتی بودند. با اینحال ترس از شکل گیری دولت شیعی در عراق برای حکام بعث به مراتب از تشکیل دولت مستقل کردی خطرناک تر بوده است. به همین دلیل بی توجهی به شیعیان در ایجاد منطقه ممنوعه در جنوب امری بدیهی و عادی به نظر می‌رسید.

در این میان سنیها که دوران ماه عسل حیات خود را در طول دوران حاکمیت حزب بعث تجربه کرده و در عین اقلیت بودن تأثیرگذارترین گروه در جامعه عراق بوده اند با تأکید بر ناسیونالیسم عربی و اقتدار حزب بعث فعال مایشاء بودند. شاید پیوند مهم بین ایدئولوژی پان عربیستی رژیم بعث و مذهب سنی ناشی از دو علت بوده است که سنیها از آن حداکثر استفاده را نموده اند: نخست پان عربیسم بر وحدت جهان عرب بر پایه مذهب سنی تأکید داشت زیرا اکثریت اعراب جهان اسلام از اهل تسنن بودند و این باعث تشدید همگرایی بین اعراب می‌شد. دیگر اینکه اکثر رهبران و نیروهای سیاسی و نظامی رژیم بعث از اعراب سنی بودند و هر گونه تأکید بر همسانی مذاهب باعث تهدید قدرت سیاسی رژیم می‌شد.

پس از بررسی مواضع و عکس العملهای ۳ گروه عمده کردها، شیعیان و سنیها در مواجهه با حزب بعث در ادامه ضمن طرح چالشهای نظام تک حزبی بافدرالیسم درعراق ابتدا به تبیین جامعه شناختی بستر این چالشها و سپس به دلایل ناکامی تحقق خودمختاری و استقلال کردها و شکل گیری فدرالیسم پرداخته می‌شود.

۱-بافت موزائیکی جامعه عراق

به لحاظ تاریخی و جامعه شناختی جامعه عراق یک جامعه موزائیکی و دارای انواع شکافهای قومی و مذهبی است.بطوری که درپراکند گی وگسترد گی هویت های چند گانه نوعی الگوی مرقع ومعرق درست شده وتمام هویتها وفرهنگها موزائیک واردر کنار هم قرار گرفته اند.(شایگان ۱۵:۱۳۸٦)براین اساس از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی و تشکیل حکومت تحت قیمومیت بریتانیا تا سال ۲۰۰۳، فرایند دولت–ملت سازی درعراق، عمدتاً به صورت تحمیلی و آمرانه انجام شد. در این فرایند یکصد ساله تاریخی و تحمیلی، شیعیان و کردها و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

سایر اقلیت ها که ۸۰درصد جمعیت عراق را تشکیل می دادند به اجبار تحت کنترل عرب های سنی مذهب قرار گرفتند که ۱۷ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند. از همان زمان تا کنون این الگوی دولت – ملت سازی سبب شکل گیری و استمرار بحران هویت و بروز اختلاف و شکاف شده، اما بجز چند مورد معدود از شورش کردها و شیعیان، نوعاً آنها مجبور به سکوت شدند.(سردار نیا، ۱۳۹٤: ٦٨-٦٥)

بافت اجتماعی موزائیکی عراق و وجود گروه های قومی و فرقه‌ای مختلف در این کشور زیربنای اصلی حیات سیاسی و تعاملات و رفتار های سیاسی امنیتی گروه‌ها در این کشور را تشکیل می دهدبطوری کهصاحبان قدرت درعراق به ویژه صدام تنها بربعد نظامی امنیت توجه داشتند واز ابعاد اجتماعی (هویتی)اقتصادی، سیاسی و...آن غافل ماندند.(درخشه، ملکی، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

بنابراین،جامعه عراق همانند موازئیکی که صدها سنگریزه رنگین دارد وعمدتا به اجبار و فشار درقالبی بهم چسبیده کنار هم قرار گرفته و به رغم رنگینی سنگریزه های مختلف باهم ارتباط چندانی ندارند. از این رو در جامعه موزائیکی و چند پاره عراق بین بحران هویت فراگیر و ریشه دار تاریخی و ظرفیت‌های خفته خشونت زای آن در مقطع زمانی پسا صدام ازیک سو و عدم تحقق فدرالیسم و دموکراسی ازسویی دیگر، ارتباط جدی و محکم وجود دارد.

۲- شکافهای اجتماعی

از منظر جامعه شناختی بافت موزاییکی مورد اشاره سبب شکافهای اجتماعی می‌شود که درجامعه عراق شکافهای مختلف قومی و مذهبی نقش تعیین کننده ای در جریانات سیاسی و امنیتی ایفا می‌کنند. در حالی که شکل بندی اصلی ساختار اجتماعی حول دو شکاف عمده قومی (عرب و کرد) است، شکاف مذهبی (شیعه و سنی) از شکافهای عمده جامعه عراق است. بنابراین از درون این دو شکاف ۳ گروه عمده قومی و فرقه ای خارج می‌شوند که شامل کردها با اکثریت سنی و اعراب شیعی با اکثریت قابل توجه و اعراب سنی با اقلیت تأثیرگذاری در زمان حزب بعث می‌شد.(اسدی،۱۳۹۳:۱٤۲) ازطرفی، ساختار قبیله ای عراق را نمی توان نادیده انگاشت. جامعه عراق بویژه اجتماعات روستایی وعشایری آن، ساختاری قبیله ای دارند که در طول قرنها ادامه یافته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

از سویی دیگر، تسلط و سیطره کامل حزب بعث بر جامعه عراق امکان بروز درخواستهای گروه های مختلف را فراهم نمی کرده است. بطوری که تقابل این حزب با اقوام و گروه ها و مذاهب آنچنان گسترده بود که امکان بروز مظاهر فدرالیسم فراهم نگشته است. در اینجا به این چالش مهم و مانع جدی برسرراه فدرالی شدن عراق اشاره می شود.

۳-یکه تازی و سیطره تام حزب بعث

از آنجا که حزب بعث در طول سالیان گذشته یکّه تاز و صاحب قدرت یکپارچه در صحنه سیاسی اجتماعی بوده و در زمان حیات خود مجال بروز و ظهور اندیشه های استقلال طلبی و خودمختاری را نداده است، سبب شده تا کادرهای محلی برای مشاغل سیاسی و حساس در تمامی مناطق جغرافیایی عراق از اعضای آموزش دیده حزبی و سلسله مراتب حزبی باشند و عکس العملهای خود را به طرق مختلف در مقابل اندیشه خودمختاری (فدرالیسم) بروز دهند. به طوری که به قول سمیرالخلیل نویسنده کتاب «جمهوری وحشت» نوعی رابطه موهوم و تالار آیینه ای میان توهم و واقعیت در ذات اندیشه یگانه و منحصر به فرد بعثی در مورد «هستی از طریق سازمان » وجود دارد و این حالت بوقلمون صفت و همیشه در حال دگرگونی است و در تمامی گفته ها و کردارهای حزب بعث وجود دارد و هرگاه حزب با یک واقعیت قوی تر از خود مثل سرکوب جبهه مخالف(طرفداران خود مختاری) مواجه می شود هستی خود را از طریق سازمان عملی می کند.(سمیر الخلیل، ۱۳۷۰: ۳٤۲) فرآیند فراگیرمراقبتهای نظارتی وتروریستی نظام همه جا گسترده، دستکاری وکنترل ایدئولوژیک ستونهای اصلی این گونه رژیمهاهستند(هیوود۱۳۸۹:۱٦٦). دراین معنا حزب بعث به نحوی رژیم توتالیتری بود که جامعه مدنی را بطور کامل نابود وعرصه خصوصی زندگی را نیز ازمیان برداشت. تمرکزگرایی شدید وفقدان سازمانهای طبیعی حمایتی از ویژگیهای بارز چنین رژیم هایی است وهمچنانکه درمدل مفهومی بلاندل آمده است این دو از ویژگیهای نظام های تک حزبی می باشند.

۴- برجسته نمودن تمایزات قومی - مذهبی توسط حزب بعث

طبق یک دیدگاه فدرالیسم در کشورهایی که هر یک از گروه ها در صدد حفظ ویژگیهای

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

خود هستند بوجود نمی آید بلکه در کشورهایی ایجاد می‌شود که نسبتاً همگون و متجانس هستند. بر این اساس، در جامعه عراق هر یک از گروه ها معمولاً بر خصوصیات قومی، نژادی و مذهبی خود تأکید می‌کنند،بطوری که فرهنگ مردم عراق بامولفه هایی همچون واگرایی یاعدم وفاق گرایی،عدم روامداری مذهبی سروکار داردوحکومت حزبی اقتدارگرا،تجربه های دمکراتیک رابدنبال نداشته ولذا این موضوع ازموانع اجرای فدرالیسم است و نمی تواند عامل قوام بخش فدرالیسم باشد. ریورو معتقد است استقلال میانه ای با مشارکت ندارد یعنی به خاطر اختلاف ها و حفظ ویژگیها نیست که گروههای مختلف فدراسیون تشکیل می‌دهند بلکه به علت مشابهتی است که بین آنها وجود دارد. (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۳۰)

این موضوع در دوران حاکمیت حزب بعث، امکان بروز آن در هر نوع قالبی اعم از حفظ تمایزات و اختلاف در قالب فدرالیسم و یا تشکیل فدرالیسم بعلت مشابهت ها امکانپذیر نبوده زیرا حزب بعث یکه تاز میدان و همه کاره جامعه عراق بودکه نه به تمایزات ونه به تشابهات اقوام اعتقادی نداشت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۵- سرکوب بیرحمانه کردها و شیعیان توسط حزب بعث

تجربه تاریخی تلخ سرکوب کردها در مقاطع زمانی ۱۹۷۵، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱ و بمباران شیمیایی حلبچه، همچنین مقابله جدی خشونت بار با قیام انتفاضه شیعیان جنوب عراق بویژه در سالهای -۹۲ ۱۹۹۱ سبب شده تا اقوام عراق بویژه اکراد و شیعیان ازتحقق خودمختاری و فدرالیسم ناامید و دست کم دلسردوافسرده شوند. در این میان فرصتهای پیش آمده برای کردهای عراق بعد از ایجاد منطقه امن در شمال عراق گرچه قابل ملاحظه و کم سابقه بود و توانست روزنه امیدی برای تحقق بخشی از مطالبات اکراد را به نحوی مهیا نماید با اینحال تمرکز دولت مرکزی به مدد نیروهای امنیتی و نظامی حکومت در طول سالیان گذشته وسرکوبهای بیرحمانه وقتل عام های فجیع وجو خفقان ورعب آورحاکم سبب شده تا حاکمیت توتالیتاریسم به حکومت مرکزی اقتدار بخشد.

۶- ابهام درمعنا و مفهوم فدرالیسم ازدیدگاه حزب بعث وکردها

فدرالیسم معنا ومفهومی واحد ویکسان ندارد بلکه به اشکال مختلف ومعانی گوناگون مطرح

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

شده است «اینکه کدام مفهوم از فدرالیسم مورد نظر است» خود همواره از چالشها و موانع اجرای فدرالیسم بوده است. در حالی که اختلاف نظر بین اقوام مختلف عراق در خصوص مفهوم فدرالیسم و چگونگی تحقق آن وجود داشته است، حزب بعث تلویحاً از فدرالیسم محدود جغرافیایی متمرکز حمایت می‌کرد. این در حالی است که اکراد بر فدرالیسم قومی و تا حدی اقتصادی (بخصوص بر درآمدهای نفتی منطقه کردستان بویژه کرکوک) تأکید داشتند. همین فقدان برداشت مشخص و شفاف از فدرالیسم در میان گروه های قومی و مذهبی در عراق و عدم هماهنگی و تعامل میان آنها در مقاطع تاریخی مختلف ازجمله موانع و چالشهای مهمی بودکه بر سر راه فدرالیسم در دوران حاکمیت نظام تک حزبی قرار داشت.

۷- ترس تاریخی کردها از قدرت یافتن دولت مرکزی

کردها در طول تاریخ حیات خویش همواره از قدرت یافتن دولت مرکزی نگران بوده اند؛چراکه به تجربه ثابت شده است که دولت مرکزی قدرتمند سایه وحشتی ایجاد می کند که مجالی برای عرض اندام اقلیتها و گروه های قومی باقی نمی گذارد و بالعکس، در دوران ضعف دولت مرکزی است که کردها و دیگر اقلیتها امکان تجدید حیات و بروز فعالیت و ابراز وجود می یابند. دوران حاکمیت نظام تک حزبی (حزب بعث) نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. به همین سبب، در دوران حاکمیت حزب بعث نیز کردها کماکان از اقتدار دولت مرکزی نگران بوده و همواره ترجیح می دادند که به حمایتهای خارجی متکی باشند؛ چرا که کردهای عراق با توجه به سرکوبهای بی رحمانه و تلخ کامی های دوران حاکمیت حزب بعث هرگز به حکومت مرکزی امیدوار نبوده اند. از زمان روی کار آمدن حزب بعث (۱۹۶۸) تا سقوط صدام (۲۰۰۳) سیاست سرکوب، ارعاب و حاکمیت پدرسالاری هیچگاه مجال و یا زمینه ای برای رشد نهادهای دمکراتیک باقی نگذاشته است.

۸- عدم حمایت جدی سایر گروهها از فدرالیسم

مشکل دیگری که در زمان حاکمیت حزب بعث سد راه فدرالیسم در عراق بوده عدم هماهنگی و هم افزایی گروه های قومی و مذهبی است و نظام تک حزبی حاکم بر عراق نیز همواره از این تشتت و اختلاف نظرها بهره برداری کرده و در راه اتحاد و همبستگی ارادی گروه‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

مخالف ایجاد مانع وکارشکنی می کرده است. بطوری که در طول حاکمیت بعثی ها برای مثال شیعیان کمتر از فدرالیسم سخن به میان آورده و اساساً همواره حامی تمامیت و یکپارچگی سرزمینی عراق بوده اند و این درحالی است که آنها در صحنه سیاسی و مناسبات قدرت مشارکت چندانی نداشته اند. بویژه در زمان حاکمیت حزب بعث به دلایل متعددی همچون پیوند عنصر شیعی با ایران، با شدت تمام به سرکوب و اعمال تبعیض علیه آنان می‌پرداخت. حزب بعث با طرح ادعاهایی نظیر فرقه گرا و تفرقه افکن بودن شیعیان آنان را عملاً از صحنه سیاسی عراق حذف کرده است (فولرو و فرانک، ۱۳۸٤: ۲۳). حزب بعث بااتخاذ چنین سیاست هایی درپی جلب پشتیبانی سنی های عراق وبرخی قبایل آن کشور همچون قبیله تکریتی ها بود که دراین زمینه موفقیتهایی برای تداوم حاکمیت یکپارچه خویش طی دو سه دهه کسب کرد. همچنانکه دیدیم اتکای نظام تک حزبی برحمایت های قبیله ای ازجمله شاخص های مدل مفهومی بلاندل است که در اینجا در مورد عراق صدق می کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

نتیجه‌گیری

اصطلاح نظام تک حزبی فی نفسه عاری از تناقض نیست و قرارگرفتن آن در جامعه‌ای فدرالی تناقضی مضاعف ایجاد می کند. از ویژگیهای نظام تک حزبی پوپولیستی بودن، زایش از درون شکاف های اجتماعی، سرکوب نهادهای قانونی و دموکراتیک، تمرکزگرایی، نظامی گری وتکیه برحمایت های قبیله ای است. در نقطه مقابل، فدرالیسم برتمرکززدایی و به رسمیت شناختن تنوع زبانی، نژادی،قومی ودینی و بر تجمیع مطالبات اقوام، گروه ها و نهادهای مدنی تأکید دارد.

تجسم عینی تناقض این دو مقوله را می توان در جامعه عراق از زمان روی کار آمدن حزب بعث ملاحظه نمود که در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرارگرفته است. حاصل کار اینکه گرچه به لحاظ تاریخی از ابتدای تکوین فرآیند دولت- ملت سازی عراق، پدیده فدرالیسم مطرح بوده است؛ با اینحال روند مقابله و مواجهه حزب بعث با اقوام بویژه اکراد و میدان دادن به اهل تسنن در دوران حاکمیت این حزب و برجسته نمودن تمایزات قومی- مذهبی و سرکوب شدید و بی رحمانه کردها و شیعیان و همچنین ابهام در معنا و مفهوم فدرالیسم و عدم حمایت جدی سایر گروهها من جمله شیعیان و اهل تسنن باعث شده تا موضوع فدرالیسم به رغم سابقه نسبتاً طولانی جایگاهی در عراق نداشته باشد. بعلاوه، بافت موزائیکی جامعه عراق و انواع شکاف های اجتماعی از چالش های عمده اجرای فدرالیسم در عراق است که نقش حزب بعث در این چالشها آشکار و واضح است. چالش هایی که به نظر می رسد حتی درکوتاه مدت و در دوران پس از صدام و با اتمام حاکمیت حزب بعث نیز همچنان بر سر راه فدرالیسم در این کشور قرار خواهند داشت، هر چند از شدت و غلظت آنها نسبت به دوران حاکمیت حزب بعث کاسته شده باشد.

همچنین، دراین مقاله نشان داده شد که نظام تک حزبی، نظامی تک ساختی و متمرکز است که هم به لحاظ نظری و هم از بعد عملی و تجربی با فدرالیسم که شیوه ای است غیرمتمرکز و چندگانه متنافی و متعارض است؛ زیرا چندگانگی و یا کثرت گرایی که شرط لازم کارکرد سیستم فدرالی است در نظام تک حزبی جایگاهی ندارد و از طرفی شرط کافی اجرای فدرالیسم، داشتن پایگاه مردمی، بیان آزادانه خواسته ها، حمایت از منافع ملی و ایفای نقش اساسی در انتخابات بواسطه احزاب است که این مورد هم در عراق زمان حاکمیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

حزب بعث وجود نداشت. بنابراین نه شروط لازم و نه کافی در نظام تک حزبی بعث برای فدرالیسم وجود نداشته است.

مضافا اینکه از آنجا که در تحلیل نظام فدرالیسم، شاخصهای مختلفی دخالت دارند، مانند عامل جغرافیایی و سرزمینی و منافع اقتصادی (در نظر گرفتن منافع خاص هر قسمت از کشور)، عامل سیاسی (وجود خطر مشترک) عامل انسانی (چندگانگی گروه های بشری در داخل یک کشور) باید گفت هیچکدام از عوامل مذکور به تنهایی امکان بروز و ظهور در جامعه عراق را نداشته و حاکمیت استبدادی نیز در مقابل اینگونه حرکتها ایستاده واثرات آن درواگرایی گروه ها واقوام درشرایط فعلی نیزموثربوده است.

و بالاخره اینکه گرچه با طرح موضوع فدرالیسم در عراق، بلافاصله کردها و خودمختاری آنها به ذهن متبادر می‌شود با اینحال باید خاطرنشان کرد خودمختاری متفاوت از فدرالیسم است. ضمناً هرچند مانع عمده اجرای خودمختاری نظام تک حزبی بعث بوده مع الوصف مواضع کردها و عملکردشان و روابط آنها با دول خارجی در حزب همه نشان دهنده آن است که عراق ظرفیت اجرای فدرالیسم را حتی بصورت نیم بند برای کردها ندارد بلکه با این مقوله چالش های اساسی تاریخی و نهادی دارد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

کتابنامه:

الف - کتب:

آرنت، هانا. (۱۳٦٦)، توتالیتارسیم(ترجمه محسن ثلاثی) تهران،انتشارات جاویدان.

الزبیدی،حسن لطیف،العبادی،نعمه محمد،السعدون،عاطف لافی(۱۳۹۵)عراق درجستجوی آینده(ترجمه علی شمس)تهران موسسه اندیشه سازان نور.

اسدی، علی اکبر(۱۳۹۳)، روند دولت–ملت سازی در عراق جدید، تهران، موسسه اندیشه سازان نور.

امجد،محمد(۱۳۹٤)،سیاست وحکومت درایالات متحده،تهران،انتشارات سمت.

ایوبی، حجت اله (۱۳۸۲)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش.

ایودورماگن، ژان و دانیل موشار (۱۳۹٤)، مبانی جامعه شناسی(ترجمه عبدالحسین نیک گهر) تهران، نشر آثار.

بازیار، احمد (۱۳۹۳)، فدرالیسم در عراق، تهران، انتشارات آریان قلم.

بشیریه، حسین (۱۳٦۸)، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.

بلاندل، ژان (۱۳۷۸)، حکومت مقایسه ای(ترجمه علی مرشدی زاد) تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بیگدلی،علی(۱۳٦۸)،تاریخ سیاسی–اقتصادی عراق،تهران،نشرمیراث ملل.

حاتمی، محمدرضا و محمد رضا ثمری (۱۳۹۰)، مسائل خاورمیانه تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

خسروی، حسن (۱۳۸۸)، حقوق اساسی ۱، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

خوبروی پاک، محمدرضا، (۱۳۷۷)، نقدی بر فدرالیسم، تهران، انتشارات شیرازه.

دال،رابرت،(۱۳۸۷)،درباره دمکراسی(ترجمه حسن فشارکی،تهران،انتشارات شیرازه.

–دورژه، موریس (۱۳٦۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی(ترجمه ابوالفضل قاضی) انتشارات دانشگاه تهران.

شایگان،داریوش،(۱۳۸٦)،افسون زدگی جدید(ترجمه فاطمه ولیانی)تهران، انتشارات فرزان.

سمیرالخلیل،(۱۳۷۰)،جمهوری وحشت(ترجمه احمد تدین)انتشارات طرح نو.

سیف زاده،حسین(۱۳۷۹)،عراق،ساختارهاوفرآیندگرایشهای سیاسی،تهران،مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیاد های علم سیاست، تهران، نشر نی.

عبدالحسینی، شراره(۱۳۹٦)، در برج امنیت تهران، موسسه انتشارات نور.

فرشید،مهندس،(۱۳٦۱)،مکتب هاواحزاب سیاسی،تهران،انتشارات اقبال.

فولر،گراهام ای،رندرحیم(۱۳۸٤)،شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده(ترجمه خدیجه تبریزی وعلی اصغر محمد)(ناقد)،قم،موسسه شیعه شناسی.

کدوری وهمکاران(۱۳٦٦)،احزاب درکشورهای اسلامی(ترجمه جواد شیخ الاسلامی)،تهران،بنیاد دائره المعارف اسلامی.

کیوی، ریمون،کامپنهود،لوک وان(۱۳۸۵)،روش تحقیق درعلوم اجتماعی،ترجمه عبدالحسین نیک گهر نشرتوتیا

هاتف، محمود (۱۳۷۱)، روابط ایران و عراق، تهران، انتشارات پازنگ.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی درجوامع دستخوش تغییر(ترجمه محسن ثلاثی) تهران، نشرعلم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

مارش، دیوید،استوکر،جری(۱۳۸٤)روش ونظریه درعلوم سیاسی،ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
مک،داول(۱۳۸۳)،تاریخ معاصرکرد(ترجمه ابراهیم یونسی)تهران،نشر پانید.
میخلز، رُبرت (۱۳۸۱)، جامعه شناسی احزاب سیاسی، تهران(ترجمه احمد نقیب زاده) تهران، نشر قومس.
هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹٤)، تاریخ سیاسی اجتماعی خاورمیانه، انتشارات دانشگاه تهران.
هینه بوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه(ترجمه رحمن قهرمان پور و مرتضی مساح) تهران، دانشگاه امام صادق.
هیوود، آندره(۱۳۸۹)، سیاست(ترجمه عبدالرحمن عالم) تهران، نشر نی.
هیوود،آندره(۱۳۹۳)،درآمدی برایده ئولوژیهای سیاسی(ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی)تهران،انتشارات مرکز آموزش وپژوهشهای بین المللی وزارت خارجه
هیوود،آندره
یلدیز، کریم (۱۳۹۱)، کردها در عراق(ترجمه سیروس فیضی) تهران، انتشارات توکلی.

ب - مقالات

- بدیعی آزنده، مرجان و محمدی، احد(بی‌تا) «کشمکشهای سرزمینی در حکومت فدرال عراق در جنوب غرب آسیا، فصلنامه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.
برزگر،کیهان(۱۳۸۵)،»ایران،عراق جدیدونظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»فصلنامه راهبرد،ش۹،بهار،صص۵۹-۷۵
برنکاتی،داون،(۱۳۸۷) «آیافدرالیسم به سامان سیاسی درعراق می انجامد؟»ترجمه عبدالرضا همدانی درسامان سیاسی درعراق جدید به کوشش امیر محمد حاجی یوسفی احمد سلطانی نژاد،تهران مرکز چاپ وانتشارات وزارت امورخارجه صص۱۲۱و۱۲۲.
خواجه سروی،غلامرضا،بهرامی،سمیه(۱۳۹۳)،»تحلیل روابط ایران وعراق براساس گفتمان ایران هراسی»فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام،س٤،ش٤،زمستان،صص۸۳-۱۰٦.
درخشه،جلال،ملکی،محمد(۱۳۹۳)«موانع داخلی دمکراتیزه شدن عراق پس از سقوط صدام»،فصلنامه جستارهای سیاسی معاصرسال پنجم،شماره۱۱
رستمی،فرزاد،سفیدی،سیامک(۱۳۹۵)»بررسی علل ظهورواستمرارمعمای امنیت درعراق پس ازصدام»فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام س٦،ش۱۳۹۵،۱،صص۸۳-۱۱۱
- رستمی، فیروز و مسعود نیا، حسین و همکاران (۱۳۹۵) « فدرالیسم و مثلث قدرت (شیعیان، کردها و سنی‌ها) در ساختار سیاسی عراق نوین، فصلنامه جستارهای سیاسی مفاخر، پژهشگاه علوم انسانی، سال هفتم ۱۳۹۵.
سردارنیا، خلیل و محمد زارع مهرآبادی (۱۳۹٤)، «فدرالیسم و فرهنگ سیاسی در عراق»، فصلنامه روابط خارجی دانشگاه شیراز، سال هفتم، بهار.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

صالحی، سید جواد و فاتح مرادی نیاز (۱۳۹٤)، پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپولتیک خاورمیانه فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، بهار ۱۳۹٤.
عباس تبار، رحمت (۱۳۹٤) «خواش ژانوسی از مدرنیته؛ مورد مطالعه انفال قومی عراق»، فصلنامه مطالعات میان رشته ای، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی تابستان ۹۵،صص۸۹-۱۱۱
مرتضویان، سید علی و پریزاد، رضا (۱۳۹۵)، «مشارکت و نهادمندی احزاب توده گرا در کشورهای جهان سوم» فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز زمستان ۹۵.
نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۵) «تأثیر فدرالیسم بر منازعات قومی مطالعه موردی عراق» فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، تابستان.
نیری، بیژن و انصاری، محمد امین (۱۳۹۱) «نقش قومیتها در تکاپوی فدرالیسم نوین سیاسی عراق» فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی، زمستان.

پ- پایان نامه ها:

تقی زاده، معصومه (۱۳۸۸)، «موانع تثبیت فدرالیسم در عراق «، پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
صادقی، بهادر (۱۳۸۷)، «بررسی علل بروز منازعات و تشدید خشونتها در عراق پس از صدام» پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
فرهادی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «فدرالیسم در عراق و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
طباطبایی، سید عباس (۱۳۸۵)، «موانع تشکیل دولت مدرن در عراق پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ت - منابع لاتین:

Al- Marashi, Ibrahim (2002) “Iraqs Security Inteligenu Netwok: A Guid And Analysis” Mcria Gounal Vol. 6. No. 30 September1.

Riker،william H((1964 federalism: origin.operation, and significance, Boston: little Brown and company.

Cofk Burn. Patreck (2014) , Fraq Crisis: How Saudi Arabia Helped Isis Take Over The North Of Conntly,, The Independt. Guly 12.

Gal Braith, Peter W. (2002). The Wrid Gard InPost- Saddam Iraq – Boston Globe. Desamber 15.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]

Mast. Racci Darid, (2015), How The CatastrophicAmerican Peeision To Disband Saddams' MilitaryHelpd Fuel The Rise Ofisl , National Post May 29.

Naderi , Ahmad (2015) Shia Geopolitics And Political Islam In The Middle East, Welt Trend Posdam.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۳

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

شمس‌الدینی، سعید؛ مرتضوی، سید خدایار؛ نوابخش، مهرداد؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۷)، «آسیب‌ها و چالش‌های نظام تک حزبی برای فدرالیسم (مطالعه موردی : عراق تحت حاکمیت حزب بعث)»، فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۸، ش۳، پاییز ۹۷، صص ۷۳-۴۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-18]